

یک اتفاق ساده

رسانه‌داشتن جنبه‌می‌خواهد



کیوان کثیریان

● ۱- چندروز پیش با نیت انتخاب سالن برای برگزاری نهمین جشن منتقدان به‌همراه دوستی به یکی از سالن‌های بزرگ سینما در یکی از خیابان‌های اصلی و مرکزی تهران سری زدیم. ساعت هفت عصر. از کنترلچی خواستم اجازه دهد در همان تاریکی چنددقیقه سالن را ببینیم و اندازه «سن»‌اش را چک کنیم و بعد سر فرصت در روشنایی از سالن بازدید کنیم. کنترلچی دستمان را گرفت، برد به سالن، چراغ‌ها را روشن کرد، سالن خالی را سیر تماشا کردیم، رفتم روی سن، بین صندلی‌ها قدم زدیم و برگشتیم. طبعاً باید از کنترلچی دلیل خالی‌بودن سالن را می‌پرسیدیم؛ آن‌هم در این ساعت و آن‌هم با فیلم مشهوری که تصویریش بر سردر سینما نقش بسته بود. پرسیدیم. در هر دو سالن آن سینما، حتی یک بلیت به فروش نرفته بود!

نمی‌دانم اینکه می‌گویند اعلام آمار فروش در سینمای ایران واقعی نیست چقدر به واقعیت نزدیک است. اما طبعاً با اوضاعی که می‌شود به‌راحتی در سایت‌های فروش اینترنتی یا مراجعه به سالن‌ها دید، اعلام فروش‌های چندمیلیاردی عجیب به‌نظر می‌رسد. برای این میزان فروش، باید صف تشکیل شود، باید شوری دیده شود، باید همه دوروبری‌ها فیلم را دیده باشند، باید «این‌همه استقبال» دیده شود. آیا اخیراً در مورد هیچ فیلمی چنین وضعیتی دیده‌اید؟

۲- مراعات اخلاق رسانه همواره یکی از چالش‌ها و موارد بحث‌برانگیز این عرصه است. یکی از بدیهی‌ترین شاخه‌های آن - البته به زبان ساده- این است که دراختیارداشتن رسانه «ظرفیت و جنبه» می‌خواهد و هرچه رسانه قدرتمندتر باشد، این جنبه و ظرفیت باید بیشتر باشد. اینکه تا در یک رسانه، فضایی به دست آوردیم شروع کنیم به تسویه‌حساب با هرکسی که با او خرده‌حسابی داریم، اوج کم‌ظرفیتی است. اینکه دائم رجز بخوانیم که حالا ببینید این‌دفعه چه می‌کنم و از خجالت فلانی و بهمان طیف چطور برمی‌آیم، اوج بی‌جنبگی است. رسانه، به‌ویژه نوع عمومی‌اش اساساً محل گشودن عقده‌های فروخورده نیست. اگر قرار است یک برنامه تلویزیونی به محلی برای تسویه‌حساب‌ها بدل شود، همان بهتر که اصلاً نباشد.

زیر آسمان فیروزمای

پایان ساخت سه‌گانه ترانه‌های ایرانی صفاریان

● شرق: با ساخت سومین فیلم ناصر صفاریان با موضوع ترانه، پرونده سه‌گانه مستند ترانه‌های ایرانی به کارگردانی او پس از هشت سال بسته شد. «من فقط شاعرم، جناب سروان!» نام این مستند است و موضوع فیلم، یغما کلروبی ترانه‌سراست. به گفته صفاریان، این یک فیلم بیوگرافی درباره این چهره فرهنگی نیست که بخواهد زندگی و تمام فعالیت‌های یک نفر را به نمایش بگذارد، بلکه فقط به موضوع ترانه‌گفتن و مسائل مربوط به آن اختصاص دارد. صفاریان می‌گوید: «از نظر ساختار، این متفاوت‌ترین فیلمم محسوب می‌شود، چه از نظر نوع فیلم‌برداری و چه از این نظر که برخلاف کارهای پیشین خودم درباره شخصیت‌ها و موضوع‌های فرهنگی و برخلاف مدل رایج مصاحبه با دیگر افراد درباره شخصیت محوری فیلم، هیچ شخص دیگری در این فیلم حضور ندارد، جز خود سوزه اصلی». در این فیلم، صفاریان خودش هم مقابل دوربین قرار گرفته و به‌عنوان مصاحبه‌کننده دیده می‌شود. بابک بذرافشان، تصویربردار و صدابردار این فیلم است و سلمه اربابون هم فیلم را تدوین کرده. این مستند ۷۳دقیقه‌ای در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ تصویربرداری و ساخته شده و برای نخستین‌بار، در جمع اهالی سینما و موسیقی در نمایشی خصوصی در خانه سینما روی پرده رفته است. «خاطره‌های خط-خطی» درباره ترانه‌های ضدعاشقانه ایرانی و «شب شدیایی» درباره سیر تاریخی ترانه در ایران، دو فیلم دیگر این سال هستند. مستند جدید صفاریان همین‌روزها مراحل تصویربرداری‌اش آغاز می‌شود.

جناب آقای مهندس شفیعی

مدیر کل محترم هنرهای نمایشی وزارت ارشاد
مصیبت درگذشت ابوی گرامی،پیر غلام‌حسینی؛

مرحوم حاج پدالله شفیعی،جامعه مذهبی، فرهنگی و هنری استان خوزستان را عزادار کرد، برای شما هنرمند فرهیخته و خانواده گرامی، صبر جزیل و برای آن عزیز درگذشته غفران الهی را آرزوئمند.

محمد مالی

سینمای ایران در جشنواره فیلم بوسان نیز درخشید. «ممیرو» به کارگردانی هادی محقق موفق به کسب جایزه بهترین فیلم از بیستمین جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان کره‌جنوبی شد. فیلم ایرانی «ممیرو» به‌طور مشترک با فیلم «درخت گردو» از قزاقستان برنده جایزه بزرگ بخش «جریان‌های نو» در جشنواره فیلم بوسان کره‌جنوبی شد این در حالی است که جایزه فیپرشی (انجمن بین‌المللی منتقدان سینما) را نیز از این جشنواره دریافت کرد. محقق ابتدای هفته پیش در زمان نمایش فیلمش در این جشنواره در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه، گفت نسلی از فیلم‌سازان در کشور می‌خواهند چهره بسیار انسانی جامعه ایرانی را به جهان نشان دهند. سلیویا چانگ، رئیس هیأت داوران این دوره از جشنواره بوسان، هم درباره این فیلم گفته است: «ممیرو شاهکار فوق‌العاده‌ای از داستان‌سرایی بصری و پر از احساسات است. این فیلم گرچه تا حدی به چگونهِ‌مردن مربوط می‌شود، اما بیشتر به چگونهِ زندگی‌کردن می‌پردازد و این که چگونهِ شَأن و منزلت خود را به‌عنوان یک انسان حفظ کنیم». «ممیرو» که دومین اثر محقق پس از «او خوب سنگ می‌زنه» است، داستان مردی سالخورده را روایت می‌کند که به دلیل عذاب وجدان چندین بار دست به خودکشی می‌زند. پس از اعلام موفقیت این فیلم با هادی محقق که در بوسان بود، گفت‌وگو کردیم.

❧ واکنش منتقدان به فیلم«ممیرو» در جشنواره بوسان بسیار خوب بود. فضای کلی و اکران‌هایی که در جشنواره داشتید را چطور دیدید؟

فضای کلی جشنواره به نفع فیلم بود. تصور این استقبال برای خودم هم غافلگیرکننده بود. خوشبختانه این فیلم جایزه منتقدان جشنواره را دریافت کرد و همین جایزه می‌تواند میزان استقبال آنها از فیلم را نشان دهد. داوران جشنواره نیز در بیانیه‌ای که خواندند، به این موضوع اشاره کردند که فیلم خوبی معرفی و شایسته دریافت جایزه انتخاب شده است. خوشبختانه توصیفات خوبی از فیلم شد شبیه اینکه فیلم هم از مرگ می‌گوید و هم از زندگی و استقبال از فیلم در این جشنواره فراتر از انتظارم بود.

❧ فضای کلی دومین اثر سینمای شما تلخ‌تر از ساخته پیشین است و گمان می‌کردم شاید مخاطبان در این جشنواره واکنشی نسبت به این اتفاق نشان دهند. آیا از این جهت بازخوردی داشتید؟

بله. تلخی بخشی از این فیلم است طبعاً با این

شرق: دومین حراج ملی جمعه ۱۷ مهر در حالی با فروش چهار میلیارد و ۹۷۶میلیون‌تومانی به کار خود پایان داد که از ۷۶ اثر کل حراج، هفت اثر به فروش رسید و ۳۰ اثر فقط یک خریدار به خود دید و در قیمت پایه چکش خورد. این در حالی است که به جهت تعدد ابهامات در روند حراج، با وجود وعده برپایی جلسه پرسش و پاسخ در پایان این مراسم، مدیر حراج به دلیل خشکی پاسخ‌گویی را به وقت دیگری ارجاع داد.

ارائه دو اثر بدون مشخص‌بودن هنرمندشان، اعلام اشتباه قیمت اثر خوشنویسی وصال‌شیرازی، ارائه اطلاعات اشتباه به خریداران از جمله نام‌بردن از علیرضا عباسی به‌عنوان کسی که موزه عباسی تهران به نام اوست، حال آنکه او خوشنویس است و رضا عباسی استاد مسلم مینیاتور و اعتراض یکی از حضار به این نکته، قیمت‌گذاری عجیب بسیاری از آثار هنری، عدم ارائه آثار درخشان از استادانی مانند غلامحسین امیرخانی، علی شیرازی... و از همه مهم‌تر اصالت آثار از جمله سؤالات خبرنگاران بود که بدون یافتن پاسخشان ساعت ۱۰:۳۰ شب سالن حراج را در مرکز نمایش‌های بین‌المللی رایزن ترک کردند. آتیلا پسیانی و سپس امین ضیایی ۷۶ اثر صنایع دستی و هنری را روی میز حراج آوردند؛ که در نهایت هفت اثر ازجمله گران‌ترین اثر ارائه‌شده در این حراج که مینیاتوری با تکنیک سوخت چرم از میرزاآقا امامی بود و ۷۵۰میلیون تومان قیمت پایه داشت، به فروش نرسیدند. رکورد دومین دوره حراج ملی به اثری از محمود فرشچیان رسید؛ اثری که به سال ۱۳۵۱ تعلق داشت و به قیمت ۵۵۰میلیون تومان چکش خورد؛ رکورد دوم به یک کشتی دست‌ساز که در قالب صنایع دستی ارائه شد، از هنرمندی به نام بهروز حیدریان رسید که به قیمت ۳۶۰میلیون تومان چکش خورد؛ هنرمندی ناشناخته که در جست‌وجوهای اینترنتی از او رزومه‌ای در دسترس نیست و حتی مسئولان حراج اعلام نکردند چندساله است! اما باآرورد حیرت‌آور ۳۵۰ و ۵۰۰میلیون تومان داشت، اثری که ابعاد کوچکی هم داشت و فروشش موجبات تعجب بسیاری را برانگیخت؛ پرتیر رضاقلی‌خان هدایت، اثر جعفرخان نقاش متعلق به سال ۱۲۴۲ به قیمت ۲۵۰میلیون رکورد سوم را از آن خود کرد، نقاشی گلدان و مینیاتور

شعر و صدای سیمین بهبهانی منتشر شد

شرق: آلبوم موسیقی «یک‌متروهفتادصدم» با روایت سیمین بهبهانی و مرتضی یاسوری روانه بازار موسیقی شد. در این اثر موسیقایی قطعه‌هایی مانند «دوباره می‌سازمت وطن»، «دل‌م گرفته ای دوست»، «یک‌متروهفتادصدم»، «بشار برگ‌های گلی را»، «مردی که یک با ندارد» و تعدادی اشعار دیگر با بهره‌گیری از موسیقی کلاسیک ایرانی برای علاقه‌مندان موسیقی و شعر ارائه شده است. در دفترچه معرفی آلبوم «یک‌متروهفتادصدم» علاوه بر انتشار گاه‌شماری مختصر از فعالیت‌های

زنده‌اید سیمین بهبهانی، به برخی جوایز و عناوین او نیز اشاره شده است. علی بهبهانی، فرزند مرحوم بهبهانی، در شرح چگونگی شکل‌گیری این اثر نوشته است: «من و سیمین مادر تراپودی



هادی محقق

جایزه بهترین فیلم «بوسان» در دستان هادی محقق

غافلگیری در کره

بهان شیربانی

بخش مشکلی نبود که درنهایت توانست نظر هیأت داوران را جلب کند. این فیلم در ستایش مرگ و زندگی است و از نظر من این دو در کنار هم به یک تعادل رسیده است. مردم هم در زمان تماشای فیلم در جشنواره به آن اشاره می‌کردند اما اتفاقی نبود که به‌عنوان نقطه‌ضعف فیلم با آن برخورد شود. البته در اکران خصوصی که در ایران هم داشتیم بار تلخی فیلم برای برخی از مخاطبان برجسته‌تر بود

به‌زودی اعلام می‌شود.

❧ برنامه اکران عمومی آن در ایران چه خواهد شد؟

با آقای علم‌الهدی و گروه سیاست‌گذاری هنر و تجربه صحبت شده است که در این گروه نمایش داده شود. هرچند که فیلم را برای جشنواره فیلم فجر هم آماده می‌کنم و اگر با قواعد جشنواره، هم‌خوانی داشته باشد، فیلم را شرکت می‌دهم و بعد از آن در هنر و تجربه اکران خواهیم کرد.

❧ چندسالی است که موفقیت فیلم‌های اجتماعی ایرانی در فستیوال‌های خارجی چشمگیرتر شده. شما این جریان را چطور ارزیابی می‌کنید؟

درحال حاضر بحث ساخت فیلم‌های اجتماعی در تمام دنیا مطرح است. به نظر من ما خیلی سخت‌گیرانه رفتار می‌کنیم. در تمامی دنیا یکی از کارکردهای سینما نقد اجتماعی است. شاید در این میان برخی فیلم‌سازان شیطنت‌هایی نیز داشته باشند که تعدادشان بسیار اندک است. فستیوال‌های دنیا به‌دنبال روایت، قصه و بازی خوب و به معنی واقعی به دنبال داستان خوب هستند. مثلاً فرض کنید سینماگر ایرانی بخواهد از تنهایی زن فیلم بسازد و شاید ساخت چنین فیلمی تبعات منفی برای او داشته باشد، به نظر نباید با این دید به سینما نگاه کرد. در حقیقت باید واقع‌گو باشیم و بتوانیم معضلات را بیان کنیم و نمی‌توان به خودی‌خود نقد اجتماعی را از سینما حذف کرد.

❧ در فیلم دوم هم مثل تجربه نخست از بازیگر چهره در فیلم استفاده نکردید. دلیل خاصی داشت؟

حقیقتاً نیازی به این کار نبود. از طرفی توان مالی هم به اندازه‌ای نبود که بتوان از بازیگر چهره استفاده کرد اما اگر توانش هم بود، استفاده از بازیگر چهره و راستای فیلم‌نامه و قصه نبود و واقعیت‌پذیری قصه را کم می‌کرد. باورپذیری و مستندگونه‌بودن در استفاده از بازیگرانی بود که چهره شناخته‌شده‌ای نبودند.

❧ حرفی مانده که اضافه کنید؟

من قطره کوچکی هستم از سینمای ایران و این جایزه متعلق به سینمای ایران است و آدم‌هایی که از آنها یاد گرفته‌ام. کیارستمی، شهیدثالث، پناهی، قبادی و سینماگران دیگری که متعلق به سینمای ایران هستند و از آنها یاد گرفته‌ام. خوشحالم که برای ساخت «ممیرو» این جایزه را دریافت کردم و جایزه‌ای به ویرترین سینمای ایران اضافه شد.

می‌کند، هنرمند آن است. در مورد اثر نقاشی این نکته نیز قابل‌توجه است که به‌هیچ‌وجه دارای قدمت قابل‌توجهی هم نیست که بتوان آنها را باوجود ناشخص‌بودن آفریننده، دارای ارزش تاریخی به حساب آورد و قیمت‌های تا این اندازه بالا برای آنها انتخاب کرد. در میانه این حراج اثری تذهیب از محمد نباتی با قیمت پایه ۴۵میلیون تومان فروخته شد که به گفته مجری، این اثر ثبت ملی شده است، درحالی که اثر ثبت‌ملی‌شده را نمی‌توان فروخت. از گاف‌های مجریان این حراج، می‌توان به دو مورد اشاره کرد. یکی اینکه محمود زنده‌رودی را که دو اثر در این حراج داشت، با شارل حسین زنده‌رودی اشتباه گرفته بودند و او را از بزرگ‌ترین هنرمندان معاصر ایران معرفی می‌کردند! و شاید همین اشتباه موجب شد خریداران بی‌اطلاع حراج برای خرید آثار این هنرمند با یکدیگر رقابت کنند. در اشتباهی بزرگ نیز مجری دیگر، علیرضا عباسی خوشنویس را با رضا عباسی مینیاتوربست دوره صفوی اشتباه گرفت و گفت که در تهران موزه‌ای به نام علیرضا عباسی وجود دارد؛ که توسط یکی از خریداران یا حاضران در حراجی که با صدای بلند فریاد می‌کشید تصحیح شد. ارزان‌ترین اثر این حراج نیز تابلو نقاشیخط مهرداد فلاح بود که به قیمت پایه هفت میلیون تومان فروخته شد.

مینیاتوری از محمد خزایی، اثر تخرشیب متعلق به محمدرضا توایی، نسخه خطی کتاب دعا اثر وقار شیرازی، مینیاتورمیرزاآقا امامی، نسخه خطی اثر محمدرحیم نیشابوری، تذهیب فرید هژوند و در نهایت نسخه خطی صحنه سجاده‌ی در محمدابراهیم قمی آثاری بودند که در این حراج خریداری برای آنها پیدا نشد. مهم‌ترین این آثار البته مینیاتوری اثر میرزاآقا امامی است که با تکنیک سوخت چرم و در دوره قاجار خلق شده است؛ اثری که آتیلا پسیانی آن را نگین حراج ملی نامید و در کمال ناباوری‌اش هرچه تلاش کرد نتوانست کسی را راضی کند تا برای خرید آن دست بالا ببرد. روز گذشته بعد از گذشت یک روز از حراج، روابط‌عمومی حراج ملی به رسانه‌ها اعلام کرد شش اثر از آثاری که در مراسم جمع‌ه‌شب حراج ملی یک حراج رسمی ارائه می‌شوند باید دارای مشخصات دقیق بوده و خالق آنها مشخص باشد زیرا یکی از نکات مهمی که قیمت یک اثر را مشخص

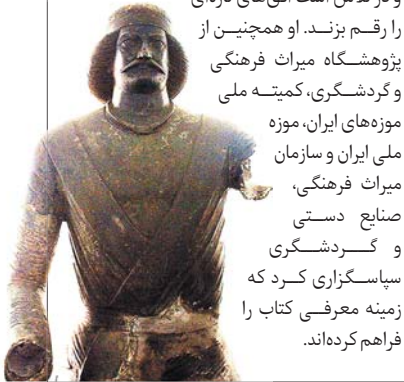
علیرضا عباسی



مجاله‌شده آیدین آغداشلو متعلق به سال ۱۳۷۴ به قیمت ۲۰۰میلیون تومان و مینیاتور سوخت چرم حسین خطابی ساخته‌شده در سال ۱۳۳۲ به قیمت ۱۸۰میلیون، رکورددار چهارم و پنجم این حراجی شدند. از نکات جالب توجه در این حراج، ارائه دو اثر نقاشی و قلمزنی روی برنج بود که هنرمندان آنها در کاتالوگ حراج معرفی نشده بودند و مجری مراسم، آتیلا پسیانی، نیز آنها را فاقد آفریننده مشخص معرفی کرد. اثر نخست یک سینی قلمزنی از جنس برنز بود که در سال ۱۲۸۴ هجری شمسی خلق شده است، این اثر دارای تزیینی از مشاهیر ایران‌زمین است و به همین دلیل به آن عنوان «مشاهیر» داده شده است. سینی مورد نظر با قیمت پایه ۱۴میلیون تومان ارائه شد که با همین قیمت نیز به فروش رسید. اثر دوم یک تابلو نقاشی متعلق به دوره پهلوی اول بود که با قیمت پایه ۶۰ میلیون تومان ارائه و به همین قیمت فروخته شد. آثاری که در یک حراج رسمی ارائه می‌شوند باید دارای مشخصات دقیق بوده و خالق آنها مشخص باشد زیرا یکی از نکات مهمی که قیمت یک اثر را مشخص

پیام مرد مفرغی برای بختیاری‌ها

ایجاد نمی‌شد، این اشیاء همچنان ساکت و پنهان باقی می‌ماندند و تفاوتی نمی‌کرد که در رزیر خاک باشند یا در مخزن یا در نمایشگاه موزه ملی ایران. در ادامه این مراسم اردشیر صالحپور، نویسنده کتاب «الیم‌ها»، به فعالیت‌های کمیته ملی موزه‌های ایران (ایکوم) اشاره کرد و گفت: ایکوم ایران نگاه تازه‌ای به میراث فرهنگی و آثار تاریخی کشور دارد و در تلاش است افق‌های تازه‌ای را رقم بزند. او همچنین از پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، کمیته ملی موزه‌های ایران، موزه ملی ایران و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و سیاست‌گذاری کرد که زمینه معرفی کتاب را فراهم کرده‌اند.



خبرسازان

نشست خبری شب انجمن منتقدان

آرای منتقدان تابع فجر نیست

● شرق: بسیاری از اهالی سینما منتظرند تا نتیجه تلاش‌هایشان را از دید منتقدان سینما ببینند. این اتفاق سال‌هاست که در جشن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران می‌افتد. انجمن منتقدان سینما چند سالی است که داوری‌هایش را به‌صورت آکادمیک انجام می‌دهد و تمامی اعضای انجمن در نتیجه آرا مؤثرند. اما جشن اسمسال تفاوت‌هایی با سالیان قبل دارد. کیوان کثیریان، رئیس انجمن و دبیر جشن، در نشست خبری که در سالن سیف‌الله داد خانه سینما برگزار شد، به اصحاب رسانه گفت: رویدادهای سینمایی و غیرسینمایی باعث شد تا جشن انجمن منتقدان به این‌بان‌ماه موقوف شود علاوه بر اینکه باید بودجه‌ای نیز برای برگزاری جشن فراهم می‌شد. بنابراین تصمیم گرفته شد تا بعد از جشن خانه سینما، جشن انجمن منتقدان را برگزار کنیم. کثیریان درباره چگونگی داوری این دوره جشن نیز گفت: در این دوره تصمیم گرفته شد تا فیلم‌هایی که در جشنواره فیلم فجر هم حضور نداشته‌اند اما تا خرداد ماه اسمسال اکران شده‌اند نیز داوری شوند. دلیل مشخصی هم داشت به این دلیل که اگر هیأت انتخاب جشنواره فیلم فجر ملاًک عمل ما بود، تابعی از جشنواره می‌شدیم و اگر به این شیوه عمل می‌کردیم داوری‌ها کمی غیرمنصفانه می‌شد چراکه دلیل نمایش برخی فیلم‌ها در جشنواره مشخص نیست و دلیل آن به چند ماه به اکران عمومی می‌رسد مثل فیلم‌های «استراحت مطلق» یا «نهنگ عنبر» و این تغییریی بود که در جشن اسمسال اتفاق افتاد. او ادامه داد: متأسفانه صنوف سینمایی درآمدی ندارند. برای برگزاری جشن نیاز به بودجه کافی داشتیم و اسپانسرهایی هم وجود داشت اما برخی از آنها اسمشان خوب نیست و ما دوست نداریم با هر برابری پول وارد انجمن شود کما اینکه در دولت قبل برای برگزاری یکی از جشن‌ها قرار بود شش برابر معمول بودجه در اختیار ما گذاشته شود، بعد متوجه شدیم که اسپانسر پیشنهاددهنده قصد داشته رئیس‌جمهور را به جشن انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران بیاورد که از اساس، پیشنهاد این اسپانسر مالی را رد کردیم، چراکه به‌هیچ‌عنوان قصد سیاسی‌کردن جشنواره را نداریم. بنابراین سعی می‌کنیم حتی با بودجه‌های اندک اما مستقل این جشن را برگزار کنیم. رئیس انجمن منتقدان افزود: به دلیل نزدیک‌شدن به ایام محرم تصمیم گرفتیم به احترام این ماه نام «جشن منتقدان» را به «شب نویسندگان و منتقدان سینمایی» تغییر دهیم، بنابراین این جشن را ۱۰ آبان در سالتی که ظرفیت بیشتری داشته باشد برگزار خواهیم کرد. جعفر گودرزی، از اعضای شورای مرکزی انجمن منتقدان، نیز گفت: یکی از ویژگی‌های جشن انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی، مستقل برگزارشدن آن است و به این نتیجه رسیدیم که بهترین جناح برای این جشن، جناحی نبودن آن است که امیدوارم نهمین جشن انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی که به احترام ایام محرم به شب منتقدان تغییر نام داده است، به بهترین شکل ممکن برگزار شود. کثیریان در بخش دیگری از این نشست اضافه کرد: در این جشن از سه عزیز تجلیل خواهیم کرد و به رسم معمول یک فیلم‌ساز، یک تهیه‌کننده و یک منتقد خواهند بود که اسامی آنها را تا روز جشن نمی‌گوییم. انجمن همیشه تلاش کرده است که در زمان حیات هنرمندان از آنها تجلیل کند همان‌طور که در زمان حیات ابرج کریمی با آقای فوکاسیان از آنها تجلیل شد. او ادامه داد: از سال گذشته تصمیم گرفتیم به دلیل طولانی‌شدن جشن منتقدان و نویسندگان سینمایی، بخش آرای انجمن منتقدان و همچنین جشن مطبوعات سینمایی را از یکدیگر جدا کنیم. ازهمین‌رو بخشی آرای انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی درباره فیلم‌ها جدا از جشن مطبوعات سینمایی برگزار می‌شود. بنابراین در نظر داریم ۱۵ روز بعد از برگزاری شب انجمن منتقدان، جشن مستقل مطبوعات سینمایی را برگزار کنیم.

پیشنهاد روز

پدرخوانده ۲ در سینماقله‌ک

● شرق: هفته سوم مهرماه، سینما قلهک میزبان فیلم‌هایی چون «تلقین»، «انیمیشن برنده اسکار وانسی»، «زیر آسمان برلین»، «مرد فیلم‌نام» و... خواهد بود. دوشنبه ۲۰ مهرماه، این سینما در سانس دوم ساعت ۲۳:۳۰ فیلم «زندگی بدون تراز» را در برنامه خود خواهد داشت. سه‌شنبه ۲۱ مهرماه، در سانس اول ساعت ۱۸:۱۵ «انیمیشن برنده اسکار وانسی» نمایش داده می‌شود و سانس دوم ساعت ۲۳:۳۰ به فیلم «گاو خشمگین» ساخته مارتین اسکورسیزی اختصاص دارد. این فیلم در فهرست نهایی صد اثر برتر در تاریخ سینما که توسط وبگاه آی‌ام‌دی‌بی منتشر شد، مقام چهارم را دارد. چهارشنبه ۲۲ مهرماه، سانس اول ساعت ۱۹ فیلم «هتل بزرگ بوادپست» نمایش داده می‌شود و برنامه بعدی سانس ۲۱:۳۰ به فیلم «مرد فیلم‌نام» اختصاص دارد. پنجشنبه ۲۳ مهرماه، سانس اول ساعت ۱۹ به فیلم «مکس دیوانه» جاده خشم» اختصاص دارد و در سانس دوم ساعت ۲۱:۳۰ فیلم «پدرخوانده: قسمت دوم» نمایش داده خواهد شد.